

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم سال اول ۹۵-۹۴

پایه چهارم ۵ ساله

پایه ششم ۷ ساله

پایه چهارم باره وقت

مهر مدرسه

ردیف:		
نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	محل نام نویسی: ۹۰ دقیقه
شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کدام آیه:	۲۹۴۱/۲۲
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۹
عنوان:	اصول فقه ۲
کتاب:	دروس فی علم الاصول «حلقه ثانیه - آقای ایروانی»
موضوع:	از ابتدای حلقه ثانیه تا ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی (ص ۱۶۲-۹۳)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- کدام گزینه با «الاباحه بالمعنی الاعم» مناسب است؟ ص ۹۸ س ۱۳

- الف. تشمل الواجب و المستحب و المكروه ☐
- ب. تعبّر عن مساواة الفعل و الترك ☐
- ج. هي احد الاحكام الخمسة ☐
- د. يقصد منها عدم الالتزام ☒

۲- کدام گزینه با عبارت «اذا قطع المكلف بالتكليف و خالفه و لم يكن ثابتاً واقعاً» مناسب است؟ ص ۱۰۶ و ۱۰۷ س ۱۸ و ۴

- الف. این مکلف متجری و مستحق عقاب است. ☒
- ب. این مکلف متجری و مستحق عقاب نیست. ☐
- ج. این مکلف عاصی و مستحق عقاب است. ☐
- د. این مکلف منقاد و مستحق ثواب است. ☐

۳- نظر مشهور درباره لوازم غیر شرعی اماره چیست؟ ص ۱۱۶ س ۱۵

- الف. حجت است با وجود دلیل خاص. ☐
- ب. فقط در خبر ثقه حجت است. ☐
- ج. مطلقاً حجت است. ☒
- د. مطلقاً حجت نیست. ☐

۴- وضع در «محمد» برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله چگونه است؟ ص ۱۲۶ و ۱۲۷ س ۶ و ۳

- الف. وضع خاص و موضوع له خاص - شخصی ☒
- ب. وضع خاص و موضوع له خاص - نوعی ☐
- ج. وضع عام و موضوع له عام - شخصی ☐
- د. وضع عام و موضوع له عام - نوعی ☐

۵- گزینه مناسب با صیغه امر در «اغسل ثوبک من البول» کدام است؟ ص ۱۳۸ س ۱

- الف. امر مولوی است و در صورت عدم امتثال گناهکار است. ☐
- ب. امر ارشادی است و در صورت عدم امتثال گناهکار نیست. ☒
- ج. امر ارشادی است و در صورت عدم امتثال گناهکار است. ☐
- د. امر مولوی است و در صورت عدم امتثال گناهکار نیست. ☐

۶- وضع سبب برای کدام یک از دلالات ثلاث است؟ ص ۱۳۴

- الف. تصویری و تصدیقی اولی ☐
- ب. تصدیقی اولی ☐
- ج. تصدیقی ثانی ☐
- د. تصویری ☒

۷- دو اشکال بر تعریف مشهور از علم اصول: «العلم بالقواعد الممهّدة لاستنباط الحكم الشرعی» را بیان کرده، شهید صدر (ره) چه تعریفی

ارائه می دهند؟ ص ۹۴ - ۲ نمره

جواب: دو اشکال متوجه این تعریف است: ۱. در این تعریف قید «ممهّده» آمده است و از آن چنین فهمیده می شود که یک مسئله زمانی اصولی می شود که قبلاً برای استنباط حکم شرعی آماده شده باشد. این در حالی است که انتظار ما از تعریف این است که ضابطه ای را ارائه دهد که به خاطر آن، برخی مسائل آماده شده اند و برخی خیر. (۰/۷۵ نمره) ۲. اگر کلمه «ممهّده» را برای رفع اشکال حذف کنیم و بگوئیم «علم اصول» علم به قواعدی است که در طریق استنباط حکم شرعی واقع می شود، اشکال مهم تری وارد است و آن این است که مسائلی چون مسائل علم لغت در تعریف داخل می شود. (۰/۷۵ نمره) تعریف شهید صدر (ره): علم اصول، علم به عناصری است که در عملیات استنباط حکم شرعی مشترک هستند. (۰/۵ نمره)

۸- عبارت «فان المكلف اذا حصل له القطع بالوجوب مثلاً فالمولى لا يمكن أن يرخّص في المخالفة» را تبیین کرده و بر آن استدلال نمایند.

ص ۱۰۵ - ۲ نمره

جواب: هرگاه مکلف به حکمی مثلاً وجوب قطع پیدا کند برای مولى این امکان وجود ندارد که ترخیص در مخالفت صادر کند (یعنی رخصت دهد که آن وجوب ترک شود). (۵/۰ نمره) زیرا ترخیصی که می‌خواهد از مولى صادر شود از دو حال خارج نیست؛ یا حکم واقعی است که لازمه‌اش این است که مکلف به دو حکم واقعی (وجوب و اباحه) در شیء واحد قطع پیدا کند و این همان اجتماع ضدین است و اجتماع ضدین محال بود. (۷۵/۰ نمره)

یا این ترخیص یک حکم ظاهری است که در این صورت محذور اجتماع ضدین پیش نمی‌آید ولی ثبوت خود این حکم ظاهری بی‌معنا است زیرا حکم ظاهری زمانی حجت است که به حکم واقعی شک داشته باشیم در حالی که در محل بحث، ما به وجوب قطع داریم. (۷۵/۰ نمره)

۹- با توجه به عبارت «عرفنا أن الاصل أولى في الموارد التي يحتمل فيها ثبوت التكليف هو منجزية الاحتمال» در چه مواردی از این اصل دست برمی‌داریم؟ چرا؟ ص ۱۱۲ - ۲ نمره

جواب: در مواردی چون: ۱. قطع به عدم تکلیف واقعی داشته باشیم. زیرا در این صورت احتمالی وجود ندارد تا منجز باشد. (۱ نمره) ۲. اماره حجت یا اصل عملی بر نفی تکلیف دلالت کند. زیرا حکم عقل به منجزیت احتمال، معلق و منوط به این است که ترخیص از جانب شارع صادر نشده باشد و فرض بر این است که بر اماره یا اصل ترخیص دلالت کند؛ زیرا با وجود این ترخیص، احتمال، منجز نمی‌باشد. (۱ نمره)

۱۰- دلیل شهید صدر (ره) بر «ان الاصل عند الشك في الحجة يقتضي عدم الحجة» به تفصیل توضیح دهید. ص ۱۱۵ - ۲ نمره

جواب: اماره ظنی که حجیت آن مشکوک است از دو حال خارج نیست: ۱. یا بر نفی تکلیف دلالت دارد. ۲. یا در مقابل اصل برائت که تکلیف را نفی می‌کند، اثبات‌کننده تکلیف است. (۵/۰ نمره) بنابر این در صورت اول، لازم است به حکم عقل که به منجزیت احتمال مقتضی است، اخذ شود و جایز نیست به جهت اماره مشکوک از حکم عقل - یعنی منجزیت احتمال - رفع ید کنیم. (۷۵/۰ نمره) و در صورت دوم، نمی‌توان در مقابل اصل برائت که نافی تکلیف است و حجیت آن ثابت شده است منجزیت تکلیف را توسط اماره‌ای که حجیتش مشکوک است، ثابت نمود؛ بلکه مادامی که حجیت اماره مثبت تکلیف، به صورت قطعی ثابت نشده باشد، اصل مؤمن مرجع خواهد بود. بنابر این با توجه به آنچه ذکر شد، اصل اولی هنگام شک در حجیت اماره‌ای عدم حجیت است. (۷۵/۰ نمره)

۱۱- مسلک «تعهد» در وضع را تبیین نموده، یک نقد بر آن را بنویسید. ص ۱۲۳ - ۲ نمره

جواب: وضع، تعهدی است از جانب واضع به این که فلان لفظ خاص را فقط زمانی که قصد تفهیم فلان معنا را داشته باشیم، استعمال کند. طبق این نظریه متعلق تعهد یک قضیه شرطیه می‌باشد که عبارت است از: هر زمان من این لفظ را استعمال کردم، قصد تفهیم فلان معنا را دارم. (۱ نمره)

دو نقد بر این نظریه: ۱. بنابر مسلک تعهد این‌گونه نیست که هر مستعملی (گوینده‌ای) به آن قضیه شرطیه متعهد باشد. زیرا اگر چنین باشد که هر مستعملی تعهد می‌دهد که لفظ را فقط در آن معنایش استعمال کند، لازمه‌اش این خواهد بود که به صورت ضمنی تعهد می‌دهد که آن لفظ را به صورت مجازی استعمال نکند و روشن است که این لازم، باطل است. (۱ نمره) ۲. بنابر این مسلک، وضع، یک فرایند و عملیات دقیق خواهد بود که متضمن قضیه شرطیه مذکور می‌باشد؛ با این که وضع از همان ابتدا و قبل از شکل‌گیری نظام فکری انسان وجود داشته است. به عبارت دیگر، وضع آسان‌تر و ساده‌تر از این است که متضمن یک قضیه شرطیه باشد.

۱۲- آیا به نظر شهید صدر (ره) صحت استعمال در معنای مجازی علاوه بر صلاحیت دلالت، بر تحقق وضع متوقف است؟ دلیل ایشان را توضیح دهید. ص ۱۲۷ - ۲ نمره

جواب: صحیح این است که نیازی به وضع نیست، (۵/۰ نمره) زیرا منظور از صحت استعمال از دو حال خارج نیست: ۱. اگر منظور از صحت استعمال، حسن استعمال باشد، واضح است که بعد از تسلیم به صلاحیت دلالت لفظ در معنای مجازی، ضرورتاً باید حسن آن را نیز پذیرفت؛ زیرا صلاحیت معنایی غیر از حسن ندارد و فرض این است که صلاحیت وجود دارد. (۷۵/۰ نمره) ۲. اگر منظور از صحت استعمال، انتساب به لغت باشد و این که آن استعمال، مثلاً استعمال عربی باشد، همین مقدار که استعمال مبنی بر صلاحیتی باشد که از اوضاع آن لغت نشأت گرفته است، کفایت می‌کند. (۷۵/۰ نمره)

۱۳- با توجه به حالات متصور در عبارت «اذا كان الأمر مؤقتاً ولم يمتثل داخل الوقت، فهل يدل على وجوب القضاء؟» نظر شهید صدر (ره) را تبیین کنید. ص ۱۳۹ - ۲ نمره

جواب: در این‌جا دو حالت متصور است: ۱. اگر امر به شیء موقت، به امر واحدی آن هم انجام فعل در داخل وقت باز گردد، در این صورت، با اتمام وقت و گذشت وقت، امر مذکور، ساقط می‌شود و قضاء آن نیازمند امری جدید است. (۷۵/۰ نمره)

۲. اگر امر به شیء موقت، به دو امر بازگردد؛ یکی امر به خود آن فعل به صورت مطلق و دیگری به انجام آن فعل در داخل وقت، در این صورت به هنگام پایان وقت، امر دوم ساقط است ولی امر اول به حال خود باقی است. بنابر این وجوب قضا توسط همان امر سابق ثابت می‌شود و به امر جدید نیازی نیست. (۷۵/۰ نمره)

و نظر شهید صدر: از آن جهت که ظاهر امر به فعل موقت، وحدت آن است. لذا تعدد آن به قرینه نیاز دارد. بنابر این وجوب قضا بر امر جدید نیاز دارد. (۵/۰ نمره)

۱۴- مراد از «قرینه حکمت» و تفاوت آن با قاعده «احترازیت قیود» را تبیین کنید. ص ۱۴۳ - ۱ نمره

جواب: قرینه حکمت به ظهور حال متکلم در این که با کلام خود در مقام بیان تمام مقصود جدی‌اش است برمی‌گردد. بنابر این هرگاه در کلام قیدی را ذکر نکرده یعنی در مراد جدی او دخیل نبوده است (۵/۰ نمره) ولی در قاعده احترازیت قیود به ظهور حال متکلم در این که آن‌چه را گفته است، اراده کرده است، برمی‌گردد. در حالی که قرینه حکمت، ظاهر حال این است آن‌چه را نگفته است، اراده نکرده است. (۵/۰ نمره)

۱۵- برای اثبات دو امر مطرح در عبارت «لا بد - طبقاً لما تقدم في ضابط المفهوم - من اثبات امرين: ۱. ان المعلق على الشرط هو طبيعي الحكم دون شخصه. ۲. ان الشرط علة منحصرة للجزاء» استدلال بیان نمایند. ص ۱۵۵ - ۲ نمره

جواب: امر اول: گاهی برای این که اثبات شود چیزی که بر شرط معلق شده است طبیعی حکم است، به اطلاق و قرینه حکمت در مفاد هیئت جزء تمسک می‌شود. مثلاً در جمله «اذا جاء زيد فاکرمه» به واسطه قرینه حکمت ثابت می‌کنیم که مفاد «اکرم» طبیعی وجوب به صورت نسبت ارسالی و معنای حرفی است. زیرا وجوبی که به «مجيء» معلق شده است، به قید خاصی مقید نشده است. (۱ نمره)

و برای امر دوم، برخی گفته‌اند: ادات شرط، برای ربط علی انحصاری بین شرط و جزا وضع شده‌اند [که این ردّ شده است با این بیان که اگر ادات شرط برای ربط علی انحصاری وضع شده باشند، لازم می‌آید استعمال آن‌ها در مواردی که شرط، علت منحصره نیست، استعمال مجازی باشد و چنین امری خلاف وجدان است. (۱ نمره)] و برخی گفته‌اند: ادات شرط، در اصل برای لزوم وضع شده‌اند و علیت از تفریع جزء بر شرط استفاده می‌شود. و انحصار نیز از اطلاق فهمیده می‌شود. زیرا اگر علت دیگری وجود داشت، شرط مقید به حرف «أو» آورده می‌شد و مثلاً گفته می‌شد «ان جاء زيد أو مرض فاکرمه». عدم چنین تقییدی، دلیل بر عدم قید است و این همان انحصار است.